

تجربه والدین مهاجر ایرانی مسلمان مقیم امریکا در ارتباط با تربیت فرزندان نسل دوم

یاسر مدنی^۱

سمیه شاهرادی^۲

آمنه شاکری^۳

چکیده

نسل دوم مهاجران، به نسلی گفته می‌شود که حداقل یکی از والدین آن‌ها مهاجر بوده و خود در کشور مقصد متولد شده باشند. مهاجرت و مهاجر بودن که به واسطه آن، خانواده‌های مهاجر از جنبه‌های گوناگون به اقلیت جامعه مقصد تبدیل خواهند شد، کار آسانی نیست و هنگامی که با دوران نوجوانی فرزندان و تعارضات و اختلافات رایج همراه با آن هم‌زمان شود، والدین مهاجر را با چالش‌های دوچندان مواجه می‌کند. مقاله حاضر، نتیجه یک پژوهش کیفی با روش پدیدارشناسی است که به منظور درک چگونگی تجربه ارتباط والدین ایرانی مسلمان مقیم ایالت کالیفرنیا امریکا با فرزندان نوجوانشان انجام شد. شرکت‌کنندگان این پژوهش، متشکل از ۱۵ نفر از پدران و مادران خانواده‌های مهاجر ایرانی مسلمان بود که فرزندان نوجوان ۱۳ تا ۱۹ ساله داشتند و به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. با هر یک از آنان، مصاحبه‌ای به مدت ۴۰ الی ۹۰ دقیقه انجام شد و مصاحبه‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها، به یافتن سه مضمون اصلی منتج شد که عبارت‌اند از: چالش‌ها و دغدغه‌های والدین مهاجر ایرانی مسلمان درباره تربیت

۱. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (yaser.madani@ut.ac.ir) (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

فرزندانشان، فرصت‌ها یا جنبه‌های مثبت فرزندپروری در امریکا، و راهبردهای تربیتی مؤثر برای انتقال هویت اسلامی و ایرانی. مطالعه پژوهش حاضر می‌تواند برای مشاوران، معلمان و مؤسسات ارائه‌کننده خدمات به مهاجران و خانواده‌های مهاجر کاربردی باشد. واژه‌های کلیدی: تعامل والد - نوجوان، مهاجران ایرانی مسلمان، مهاجرت، فرزندان نسل دوم.

The Experience of Iranian Muslim Immigrant Parents in the United States about the Upbringing of their Second-Generation Children

Yaser Madani, PhD¹

Somayyeh Shahmoradi, PhD²

Ameneh Shakeri³

Abstract

A second-generation immigrant refers to a person who is born in a different country to where at least one of his/her parents immigrated. Immigration and being an immigrant through which immigrant families become a minority in the destination country, is not an easy task from different perspectives, and when it is coincided with children's adolescence and the common conflicts and problems of this period, immigrant parents face additional challenges. This article is the result of a qualitative phenomenological study conducted to understand how Iranian Muslim parents living in California connect with their adolescent children. The participants of this study consisted of 15 parents of Iranian Muslim immigrant families with their 13-19 year-old children. They were selected through snowball method of sampling. Forty to ninety-minute interviews were conducted with each of them, and the interviews continued until theoretical saturation was achieved. Data analysis resulted in three main themes: challenges and concerns of Iranian Muslim immigrant parents about raising their children, opportunities or positive aspects of parenting in the United States, and effective educational strategies for transferring Islamic and Iranian identity. This study can provide practical points for counselors, instructors, and providers of immigration services for immigrant families.

Keywords: second-generation children, Iranian Muslim parents, immigration, parent-adolescent relationship.

-
1. Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling. Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) (yaser.madani@ut.ac.ir)
 2. Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling. Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
 3. Masters in Family Counseling, Department of Educational Psychology and Counseling. Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

مقدمه

کشور امریکا دریافت کننده بیشترین مهاجر در دنیاست. این کشور به عنوان محبوب ترین مقصد مهاجرت، هر ساله مهاجران بسیار از نیروهای متخصص و غیرمتخصص را از سراسر جهان به خود جذب می کند (UN^۱, 2015). شالوده اصلی امریکا به عنوان یک جامعه چندفرهنگی^۲، به دست مهاجرانی پی ریزی شده که نه اصل و نسب مشترک، بلکه سرنوشت مشترک، آنان را کنار هم جمع کرده است (بری^۳، ۱۹۹۷).

علی رغم تعداد رو به افزایش مهاجران در سراسر دنیا، مهاجرت کار آسانی نیست. مهاجرت، علاوه بر جابه جایی جغرافیایی، انتقال روان شناختی نیز هست که طی آن، فرد کوله باری از عقاید و ارزش ها، مذهب، فرهنگ و آداب و رسوم را به همراه خود می برد. فشار ناشی از رویارویی با تفاوت بین فرهنگ خود و فرهنگ جامعه میزبان، در وهله اول فرد را دچار «ضربه فرهنگی»^۴ و سپس او را به ایجاد با تغییراتی در رفتار، کردار و گفتار خود برای حفظ و سازگاری وادار می کند (بری، ۱۹۹۷). روی دیگر سکه مهاجرت، فرایند فرهنگ پذیری^۵ است. فرهنگ پذیری، تغییراتی است که در جهت گیری فرهنگی افراد اتفاق می افتد، وقتی آنان با فرهنگ های متفاوت در تماس نسبتاً دائمی با یکدیگر قرار می گیرند. بری براساس میزان تمایل مهاجر به نگهداری از چارچوب فرهنگی خود و یا پذیرش فرهنگ جدید، چهار نوع استراتژی فرهنگ پذیری را معرفی می کند که بهترینشان یکپارچگی^۶ است. در یکپارچگی، وفاداری به هر دو فرهنگ وجود دارد (بری، ۱۹۹۷). یکپارچگی یا همان دوفرهنگی^۷، بهترین حالت از فرهنگ پذیری برای حفظ سلامت روان است (نگوین و بنت - مارتینز^۸، ۲۰۱۳).

مهاجرت، معمولاً پدیده ای خانوادگی است و فرهنگ پذیری برای هر یک از اعضای خانواده مهاجر، به شکل متفاوتی رخ می دهد (کراکت و زامبوانگا^۹، ۲۰۰۹). توضیح آنکه نسل اول مهاجرت کننده، به طور معمول در جامعه مقصد نیز هنوز به فرهنگ خود مرتبط است؛ زیرا جدا کردن فرد از فرهنگی که ارزش ها و باورهای آن را درونی کرده

-
1. United Nations
 2. cultural pluralism
 3. Berry
 4. culture shock
 5. acculturation
 6. integration
 7. biculturalism
 8. Nguyen & Benet-Martinez
 9. Crockett & Zamboanga

است، مانند بیرون کشیدن گیاهی همراه با ریشه‌هایش، از خاکی است که در آن رشد کرده است؛ این کار نه تنها گیاه را از اصل خود جدا می‌کند، بلکه در این حالت، عمر آن نیز دیری نمی‌پاید (اسکوآرتز^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). این در حالی است که نسل دوم مهاجران^۲، یعنی نسلی که با داشتن حداقل یک والد مهاجر، در جامعه مقصد (امریکا) به دنیا آمده‌اند (پرتز و رومبات^۳، ۲۰۰۱)، یا هرگز سرزمین مادری را ندیده‌اند یا دیدارهای مختصری داشته‌اند (عده‌ای نیز در کودکی، پیش از سیزده سالگی توسط والدین به امریکا آورده می‌شوند که نسل یک و نیم^۴ خوانده می‌شوند (گوالدا^۵، ۲۰۰۷). نسل یک و نیم و نسل دوم در جامعه میزبان دوران جامعه‌پذیری را طی می‌کنند و شبکه ارتباطات اجتماعی خود را تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه شکل می‌دهند. فاصله و اختلاف فرهنگی که حاصل تفاوت سرعت و شدت و کیفیت فرهنگ‌پذیری در بین والدین و فرزندان در خانواده‌های مهاجر است^۶، ممکن است عملکرد خانواده را به خطر بیندازد و مسائل ارتباطی میان والدین و نوجوان به وجود آورد (اسکوآرتز و همکاران، ۲۰۱۷).

هر چند که تعلق به نسل‌های متفاوت در هر خانواده‌ای، ناگزیر فاصله‌ای میان نسل‌ها ایجاد می‌کند و شکی در این نیست که ویژگی‌های مشترک نوجوانان مانند استقلال‌خواهی و قدرت‌طلبی در هر گوشه‌ای از دنیا، چه در خانواده‌های مهاجر و چه غیرمهاجر، این سنین را برای والدین به دورانی چالش‌زا تبدیل می‌کند؛ اما با این حال، نوع چالش‌ها در تعاملات والد - نوجوان، بنابر شرایط اجتماعی و عوامل محیطی، می‌تواند متفاوت باشد و مهاجرت، از مهم‌ترین عواملی است که نقش میانجی‌گرانه عوامل اجتماعی در تعاملات والدین و نوجوان را پررنگ می‌کند (کواک^۷، ۲۰۰۳). فرزندپروری برای خانواده‌های مهاجر ایرانی مسلمان، به عنوان یک گروه اقلیتی در جامعه چندفرهنگی امریکا، با چالش‌های ویژه‌ای همراه است. دغدغه‌ها و چالش‌های والدین مهاجر در ارتباط با فرزندان‌شان از منظر پژوهش‌های پیشین عبارت‌اند از: تفاوت‌های فرهنگی بین نسل اول و نسل دوم مهاجران از ملیت‌های مختلف، از جمله توانایی‌های زبانی (سنگ و فولینگی^۸، ۲۰۰۰؛ نستراک و

1. Schwartz
2. Second Generation Immigrants
3. Portez & Rumbaut
4. One and a half generation
5. Gualda
6. acculturation discrepancy or acculturation gap
7. Kwak
8. Tseng & Fulingi

مارکس^۱، (۲۰۰۹)، دشواری دوری از خانواده گسترده برای خانواده‌های مهاجر (نستراک و مارکس، ۲۰۱۱؛ فرقانی و نوستیدر^۲، ۲۰۱۴)، انتقال فرهنگ و هویت ایرانی در خانواده‌های مهاجر ایرانی (مهدی^۳، ۱۹۹۸؛ میدی^۴، ۲۰۱۴)، انتقال آموزه‌های دینی (احمد^۵، ۲۰۱۳؛ تیمانی^۶، ۲۰۰۶)، تصمیم‌گیری درباره مدرسه عمومی یا خصوصی اسلامی (سالمین^۷، ۲۰۱۶) از منظر خانواده‌های مسلمان، تبعیض‌های اجتماعی بیشتر علیه اسلام و مسلمانان در مقایسه با پیروان دیگر ادیان (فکس و آکبابا^۸، ۲۰۱۵؛ بزرگمهر و داگلاس^۹، ۲۰۱۲) و ملیت ایرانی در مقایسه با دیگر ملیت‌ها (پایج^{۱۰}، ۲۰۱۴) و چالش هویتی نوجوانان ایرانی - امریکایی (داها^{۱۱}، ۲۰۱۱).

کواک (۲۰۰۳)، پژوهشی انجام داد که نتایج آن نشان داد تعارض والد - نوجوان در خانواده‌های مهاجر نسبت به خانواده‌های غیرمهاجر قابل توجه و معنادار است و میزان شدت آن، بستگی به میزان هم‌پوشانی و یا اختلاف فرهنگ موروثی^{۱۲} آنان و فرهنگ جامعه میزبان دارد. در مطالعه نستراک و مارکس (۲۰۱۱)، تجربیات پنجاه مادر و پدر مهاجر اهل کشورهای اروپای شرقی مقیم امریکا درباره فرزندانشان مورد پرسش قرار گرفت و مشخص شد این والدین مایل‌اند فرزندانشان، هر دو فرهنگ را حفظ کنند. داها (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافت که عواملی که به احساس مباهات به هویت دینی و ملی کمک می‌کند عبارت‌اند از: ارتباطات خانوادگی با دیگر مهاجران ایرانی، استفاده از زبان فارسی، حفظ اتصال با مراکز ایرانیان و مسلمانان و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و سنتی. بینگ^{۱۳} (۲۰۱۷) در پژوهشی پس از مصاحبه با نسل دوم مهاجران مسلمان در امریکا دریافت که آن‌ها هم به پیشینه و خویشانی که به واسطه والدینشان به آن مربوط می‌شوند، تعلق عاطفی دارند و هم امریکا را وطن خود می‌دانند. آن‌ها نیز خود را مسلمان می‌دانند؛ اما نه دقیقاً شبیه والدینشان؛ بلکه خود را مسلمان امریکایی یافته‌اند و معتقدند هویت ملی

1. Nesteruk & Marks
2. Forghan & Neustaedter
3. Mahdi
4. Meybodi
5. Ahmed
6. Timani
7. Soliman
8. Fox & Akbaba
9. Bozorgmehr & Douglas
10. Paige
11. Daha
12. cultural heritage
13. Byng

امریکایی آن‌ها، هویت دینی اسلامی‌شان را نیز قوی‌تر می‌سازد. نتایج پژوهش طولی پنج ساله اسکوارتز و همکاران (۲۰۱۷) نشان‌دهنده این بود که اگر والدین مهاجر، مخالفت خود درباره سوق پیدا کردن فرزندان به سمت فرهنگ امریکایی را کمتر، یا به روش بهتری ابراز کنند، تنش‌های جدی کمتری بین آن‌ها و نوجوان پیش می‌آید. جنتی و آلن^۱ (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود به این یافته دست پیدا کردند که هر چه والدین اصرار مستقیم بیشتری برای انتقال فرهنگ ایرانی به فرزندان داشته باشند، تعارض افزایش می‌یابد.

خانواده‌های ایرانی مسلمان مقیم امریکا، از جمله گروه‌های اقلیتی بسیاری هستند که بخشی از جامعه امریکا را تشکیل می‌دهند؛ اما آنچه موقعیت این گروه را ویژه می‌کند، تبعیض‌های اجتماعی شدیدتر علیه اسلام و مسلمانان در مقایسه با پیروان دیگر ادیان (فکس و آکبابا، ۲۰۱۵) و ملیت ایرانی در مقایسه با دیگر ملیت‌هاست (پایج، ۲۰۱۴). حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی از طریق تعامل کارآمد والد - نوجوان در خانواده‌های مهاجر در جوامع غربی، هم برای والدین امری چالش‌زاست و هم برای نسل دوم می‌تواند زمینه‌ساز تداوم یافتن تبعیض‌هایی باشد که والدینشان در طول سال‌های اقامتشان در امریکا تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر، خانواده‌های ایرانی، انتقال هویت دینی و ملی و احساس مباهات به آن‌را، بخشی از مسئولیت خود نسبت به نسل بعد می‌دانند. اغلب مطالعات گذشته در حوزه نسل دوم، یا به روش کمی بوده‌اند و به عمقی که روش کیفی به آن می‌رسد دست نیافته‌اند، یا درباره نسل دوم ایرانیان بدون تمرکز بر فرهنگ دینی انجام گرفته و یا همچون تعداد بالایی از مطالعات، درباره نسل دوم مسلمانان بدون تأکید بر ملیت والدین آن‌ها نوشته شده‌اند. از این رو، خانواده‌های ایرانی مسلمان مقیم امریکا، به‌عنوان یک گروه اقلیتی، موقعیتی منحصر به فرد دارند و بررسی مسائلی که با آن درگیر هستند و آگاهی از تجربیات زیسته والدین در این خانواده‌ها به‌عنوان حلقه اتصال بین هویت ملی و هویت دینی با نسل دوم، امری حائز اهمیت است. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته والدین مسلمان ایرانی مهاجر در ارتباط با فرزندان نوجوانشان در جامعه امریکا، با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام گرفت.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، پژوهشی کیفی است که به روش

پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است (لوپز و ویلیز^۱، ۲۰۰۴)؛ روشی که هدف آن، درک تجربه زیسته افراد درباره پدیده‌ها در متن و زمینه‌ای است که آن را زیسته‌اند. بدین منظور، ۱۵ نفر از پدران و مادران ایرانی مسلمان مقیم شمال ایالت کالیفرنیا (۱۱ مادر و ۴ پدر) که دارای فرزند نوجوان (۱۳ تا ۱۹ سال) بودند و فرزندشان یا در مدرسه اسلامی مشغول به تحصیل بود و یا در مدارس آخر هفته مذهبی شرکت می‌کرد، با نمونه‌گیری به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند؛ به این شکل که از هر مشارکت‌کننده در پایان مصاحبه درخواست شد تا در صورت شناخت و دسترسی به افراد دیگری که مشابه خودشان هستند، آن‌ها را معرفی کنند. مصاحبه‌ها با اولین شرکت‌کننده شروع شد و تا جایی ادامه پیدا کرد که در مصاحبه آخر، اطلاعاتی جدیدی اضافه نشد؛ به عبارت دیگر، مصاحبه‌ها تا اشیاع نظری ادامه یافتند (نس^۲، ۲۰۱۵). گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام گرفت. پژوهشگر با ملاحظه رعایت اصول اخلاقی، پس از اخذ اجازه از افراد شرکت‌کننده برای ضبط مصاحبه، در مورد محرمانه ماندن اطلاعات شخصی‌شان به آن‌ها اطمینان داد. سپس درباره اهمیت، اهداف پژوهش و روش جمع‌آوری اطلاعات در آن توضیحاتی ارائه داد. مصاحبه‌ها به شکل حضوری در منزل شرکت‌کننده و یا از طریق تماس صوتی و یا صوتی - تصویری انجام گرفت. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه در یک جلسه به طول انجامید. مصاحبه‌ها با یک پرسش عمومی در زمینه مورد مطالعه آغاز می‌شد؛ به این صورت که از افراد خواسته شد توضیح دهند ارتباط میان خود و فرزند نوجوانشان را چگونه توصیف می‌کنند. سپس پژوهشگر در خلال گوش دادن فعالانه و مرور مطالب، سؤالاتی را نیز برای پیگیری مطالب و رسیدن به سؤال بعدی مطرح می‌کرد. بدین ترتیب، پژوهشگر به دنیای ذهنی شرکت‌کنندگان وارد شد تا به کیفیت تجربه آن‌ها در مورد ارتباط با فرزندان نوجوانشان و چالش‌ها و فرصت‌های داشتن نوجوان نسل دوم به‌عنوان خانواده مهاجر ایرانی مسلمان دست پیدا کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در پدیدارشناسی روش‌های متفاوتی وجود دارد. در پژوهش کنونی، این کار با روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۳ انجام شد؛ در این روش، ابتدا توصیفات همه شرکت‌کنندگان به منظور هم‌احساس شدن با آن‌ها با دقت خوانده می‌شود. سپس عبارات مهم استخراج می‌شود. در سومین مرحله، معنی یا مفهوم هر عبارت مهم به‌عنوان کدهای اولیه توسط محقق شکل

1. Lopez & Willis
 2. Ness
 3. Colizzies strategy

می‌گیرد. در چهارمین گام، این مفاهیم، درون دسته‌های موضوعی بزرگ‌تری سازماندهی می‌شود. در گام پنجم، یافته‌ها درون یک توصیف جامع از پدیده مورد نظر تلفیق و به شکل یک گزارش واضح تنظیم می‌شود. در گام بعدی که مرحله معتبرسازی نهایی است، نتایج به هر یک از سوژه‌ها بازگردانده می‌شود و در مورد یافته‌ها از آن‌ها سؤال پرسیده می‌شود که یافته‌های به دست آمده انعکاس درستی از تجربیات آن‌ها باشد (فینلایسن^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). بدین طریق مقوله‌های استخراج شده از پژوهش تحلیل و تفسیر شدند.

تعاریف متغیرها

نسل اول^۲: مهاجرانی که الف) متولد کشوری به جز کشور مقصد هستند و ب) هنگام ورود به کشور مقصد، بیش از ۱۳ سال داشته و دوران جامعه‌پذیری را در سرزمین مادری خود گذرانده‌اند.

نسل یک و نیم^۳: مهاجرانی که الف) متولد کشوری به جز کشور مقصد هستند و ب) هنگام ورود به کشور مقصد، کمتر از ۱۴ سال داشته و دوران جامعه‌پذیری را در کشور مقصد خواهند گذراند.

نسل دوم^۴: الف) متولد کشور مقصد هستند و ب) حداقل یک والد مهاجر دارند (گوالدا، ۲۰۰۷؛ دانش و توکلی، ۱۳۹۳؛ بزرگمهر و داگلاس، ۲۰۱۲).

یافته‌های پژوهش

از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در این پژوهش، سه مضمون اصلی از دیدگاه والدین مشارکت‌کننده درباره ارتباط با فرزندان نوجوان نسل دوم پدیدار شده است که عبارت‌اند از

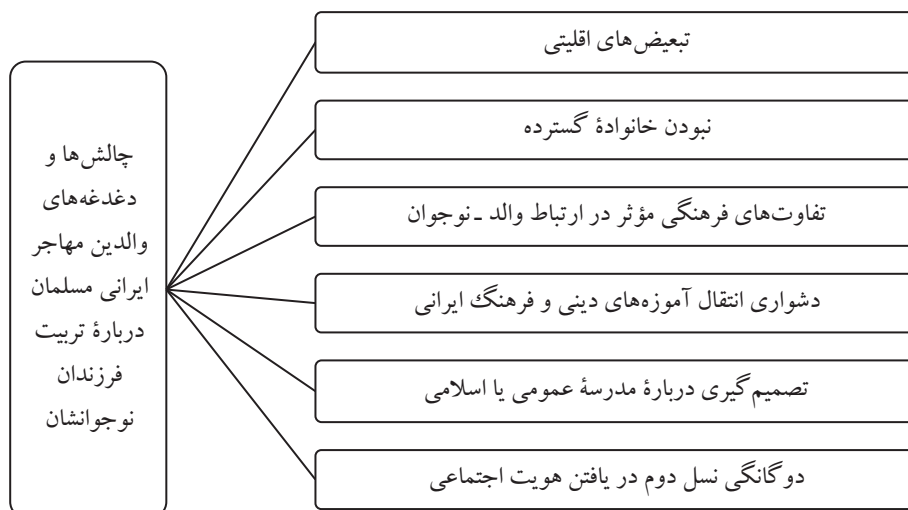
الف) چالش‌ها و دغدغه‌های والدین مهاجر ایرانی مسلمان درباره تربیت فرزندان نوجوانشان؛

ب) فرصت‌ها یا جنبه‌های مثبت فرزندپروری در امریکا از نگاه والدین؛

ج) روش‌های تربیتی مؤثر از نگاه والدین برای انتقال هویت اسلامی و ایرانی.

1. Finlayson
2. first generation immigrants
3. one and a half generation
4. second generation immigrants

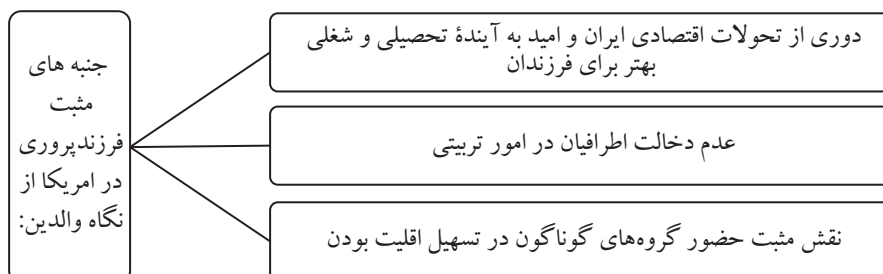
- رسانه های جهت دار: «بچه من، داره اینجا زندگی می کنه، فکر می کنه اسلام و مسلمونا همونن که اینجا توی رسانه ها می گن. خب من باید بهش بگم این چیزارو».



نمودار ۱ چالش ها و دغدغه های والدین مهاجر ایرانی مسلمان درباره تربیت فرزندان نوجوانان

- نبودن خانواده گسترده: «اینجا تنهاست. دوست داره تو خانواده و تو فامیل باشه».
- تفاوت های فرهنگی مؤثر در ارتباط والد - نوجوان: «اینجا، بچه ها زودتر مستقل می شن، تو مدرسه یاد می گیرن که حقوق خیلی زیادی دارن و پدر و مادر حق ندارن زور بگن».
- دشواری انتقال آموزه های دینی و فرهنگ ایرانی: «ما تمام آخر هفته بدو بدو داریم که بریم مدرسه آخر هفته مذهبی و مسجد، و کلاس فارسی. از اون ور هستن خانواده هایی که مهاجرند و می گذارند بچه هاشون کاملاً امریکایی بزرگ بشن».
- تصمیم گیری درباره مدرسه عمومی یا اسلامی: «خوبه که خانواده ها بتونن بذارن مدرسه اسلامی، ولی خب هم گروه و هم کمه».
- دوگانگی در یافتن هویت اجتماعی: «نه جامعه ایرانی کامل می پذیرتش، نه جامعه امریکایی».

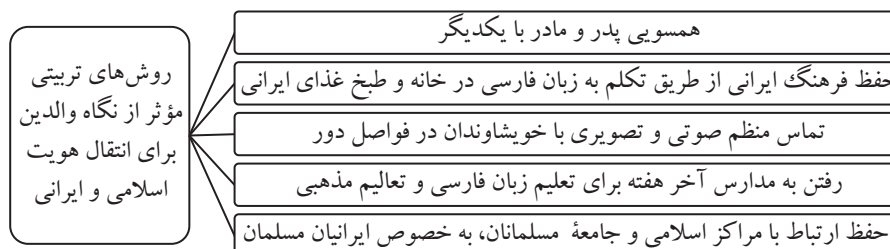
- دوری از تحولات اقتصادی ایران و امید به آینده تحصیلی و شغلی بهتر برای فرزندان: «راستش من الان خوشحالم که اینجا هستم. الان ایران زندگی خیلی سخته و همش داره سخت تر می شه و همه دوست دارن مهاجرت کنند».



نمودار ۲ فرصت‌ها یا جنبه‌های مثبت فرزندپروری در آمریکا از نگاه والدین

• عدم دخالت اطرافیان در امور تربیتی: «ما ایرانی‌ها عادت داریم همه تو تربیت بچه‌های دیگران دخالت کنیم. ولی امریکایی‌ها این کارو نمی‌کنن. ما اینجا از دخالتا به دور بودیم».

• نقش مثبت حضور گروه‌های گوناگون^۱ در تسهیل اقلیت بودن: «بچم می‌گه انقد تو مدرسه از جاهای مختلف هستن که تفاوت ما دیده نمی‌شه. تنوع گروه‌های دینی که زیاد باشه، اینم راحت‌تر می‌گه مسلمونم».



نمودار ۳ روش‌های تربیتی مؤثر از نگاه والدین برای انتقال هویت اسلامی و ایرانی

• هم‌سوئی پدر و مادر با یکدیگر: «مادر و پدر خیلی باید با هم یک‌جور باشند، تضاد بینشون نباشه».

• حفظ فرهنگ ایرانی از طریق تکلم به زبان فارسی در خانه و طبخ غذای ایرانی
تأکید داریم بچه‌ها با ما باید فارسی صحبت کنن فقط». «ما اکثراً توی خونمون غذای ایرانی درست می‌کنیم».

• تماس منظم صوتی و تصویری با خویشاوندان در فواصل دور: «الان نوه من ۱۷

ماهشه، قشنگ عمه‌اش رو که توی ایران می‌شناسه. چون منظم اون رو دیده. اینجوری هم با فرهنگ ایران بیشتر در تماسند هم برن ایران این بچه‌ها، خانواده‌شون رو می‌شناسن و غریبی نمی‌کنند».

- رفتن به مدارس آخر هفته^۱ برای تعلیم زبان فارسی و تعلیم مذهبی: «مدارس آخر هفته مذهبی می‌بردم همیشه و براش رسماً بهشون باج می‌دادم».
- حفظ ارتباط با مراکز اسلامی و جامعه مسلمانان، به خصوص ایرانیان مسلمان: «ما تلاشمون اینه که آخر هفته رو بریم توی جمع ایرانی‌های مذهبی که دور و برمون هست».

بحث و نتیجه‌گیری

تعلق به نسل‌های متفاوت در هر خانواده‌ای، ناگزیر فاصله‌ای میان پدران و مادران و فرزندان‌شان ایجاد می‌کند و شکی در این نیست که ویژگی‌های مشترک نوجوانان مانند استقلال‌خواهی و قدرت‌طلبی در هر گوشه‌ای از دنیا، این سنین را برای والدین به دورانی چالش‌زا تبدیل می‌کند. به‌طور مثال، بیش از نیمی از والدین مهاجر ایرانی در پژوهش حاضر، از استقلال‌طلبی نوجوانانشان سخن گفتند و این در حالی است که براساس نتیجه پژوهش ولی‌زاده^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نیز، تلاش نوجوانان ایرانی برای مناقشه کردن بر سر حاکمیت والدینشان، یکی از چالش‌های اصلی والدین ایرانی (غیرمهاجر) است. اما با این حال، نوع چالش‌ها در تعاملات والد - نوجوان، بنابر شرایط اجتماعی و عوامل محیطی، می‌تواند متفاوت باشد و مهاجرت، از مهم‌ترین عواملی است که نقش میانجی‌گرانه عوامل اجتماعی در تعاملات والدین و نوجوان را پررنگ می‌کند. کواک (۲۰۰۳) نشان داد تعارض والد - نوجوان در خانواده‌های مهاجر به‌صورت معناداری بیش از خانواده‌های غیرمهاجر است و میزان و شدت آن، به این امر بستگی دارد که فرهنگی که از آن آمده‌اند، چقدر با فرهنگ جامعه میزبان هم‌پوشی و چقدر اختلاف داشته باشد. پدیده‌های فرهنگی متفاوت بین دو جامعه ایران و امریکا همچون مقوله خودپنداره‌های کلیشه‌ای^۳ (میلر و مدنی^۴، ۲۰۱۳) و خودکوچک‌شماری^۵ (میلر و مدنی، ۲۰۱۳) بر پیچیدگی عوامل مؤثر در تعامل بین پدر و مادرها با فرزندان‌شان می‌افزاید.

1. sunday school
2. Valizadeh
3. autostereotypes
4. Miller & Madani
5. self-effacement

الف) چالش‌ها و دغدغه‌های والدین مهاجر ایرانی مسلمان درباره تربیت فرزندان نوجوانشان:

یکی از مسائلی که بسیاری از شرکت‌کنندگان درباره آن صحبت کردند، محرومیت از وجود خانواده گسترده و مزایای آن بود. وجود مادرزرگ و پدرزرگ و خانواده درجه دوم، هم نقش مهمی در انتقال فرهنگ قومی ایفا می‌کند و هم منبع حمایت عاطفی خانواده، به خصوص در فرهنگ‌های جمع‌گرای شرقی است. اما خانواده‌هایی که به سبب مهاجرت، از جامعه ارتباطات خانوادگی خود دور می‌شوند، از این منبع حمایت اجتماعی بی‌بهره می‌شوند. شرکت‌کننده‌ای گفت: «مهاجرت اینه که، برای بچه‌ها دوباره باید خاله دایی عمه عمو بسازی». در پژوهش نستراک و مارکس (۲۰۰۹) نیز، دغدغه والدین مهاجر درباره محرومیت از وجود خانواده گسترده و تبعات آن، مورد توجه قرار گرفته است. با این تفاوت که شرکت‌کنندگان آن پژوهش، خانواده‌های مهاجر اهل اروپای شرقی بوده‌اند. به نظر می‌رسد تشابه این یافته‌ها و نزدیکی دغدغه‌های دو گروه والدین ایرانی و اهل اروپای شرقی، از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که در اروپای شرقی نیز، فرهنگ جمع‌گرا و خانواده‌محور، فرهنگ غالب جامعه است. هرچند که وسایل ارتباط جمعی در دنیای حاضر، امکان ارتباط میان نسل‌های دور از هم را بیش از پیش فراهم می‌کند، اما حفظ این ارتباط از راه دور نیز، خالی از دشواری‌های ارتباطی نیست. شرکت‌کننده شماره ۷ در این مورد گفت: «الان مثلاً من هفته‌ای چند بار با مادر و پدرم که ایران صحبت می‌کنم. بچه هام میان حرف می‌زنن. اما خیلی وقتا انگار دیگه حرف مشترکی با هم ندارن». در تأیید این موضوع، پژوهش فرقانی و نوستیدر (۲۰۱۴)، طی مصاحبه با پدرزرگ‌ها و مادرزرگ‌هایی از ملیت‌های مختلف که از نوه‌های خود دور هستند، به مسائلی اشاره می‌کند که ممکن است مانع ارتباط بین نسل‌ها محسوب شود (از جمله موانع زبانی و فرهنگی).

والدین ایرانی مهاجر مسلمان مقیم امریکا از تفاوت‌های فرهنگی میان خود و فرزندان خود سخن گفتند که معتقدند در کیفیت روابط آن‌ها اثر می‌گذارد. یکی از مصادیق بارز این تفاوت‌ها، که توسط اکثریت شرکت‌کنندگان به آن اشاره شده است، تفاوت میزان حاکمیت والدین در خانواده و استقلال زودتر فرزندان در امریکا در مقایسه با فرهنگ جمع‌گرای غالب در ایران، بوده است. مهاجرت، نه تنها در زمینه فردی، بلکه در روابط افراد خانواده و نقش‌ها و انتظارات آن‌ها تغییراتی ایجاد می‌کند که مواجه شدن با

آن‌ها، به خودی خود از دشواری‌های سازگاری برای اعضای خانواده‌های مهاجر است (اسکوآرتز، ۲۰۱۷). فردگرایی فرهنگ آمریکایی، مورد اشاره مهاجران مشارکت‌کننده اهل اروپای شرقی در پژوهش نستراک و مارکس (۲۰۰۹) نیز بوده است. البته این موضوع برای تمام شرکت‌کننده‌های تحقیق حاضر امری چالش‌زا نبود، بلکه آن را به چشم یک فرصت نگاه کردند و این‌طور درباره آن سخن گفتند: «یه اردوی تفریحی سالانه اسلامی هست اون سر امریکا. من گفتم بره ولی پدرش موافق نبود. به من می‌گفت: اگر چیزی شد، با تو ها! گفتم باشه. حالا امسال دخترم با یه تور رفت یه هفته ایران، یه هفته عراق، بدون ما».

استقلال زودتر و جدی‌تر نوجوانان، نه تنها برای والدین ایرانی و اهل آسیای شرقی، بلکه طبق یافته‌های پژوهش پیرا^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، برای والدین لاتین مهاجر در امریکای شمالی نیز موضوعی قابل توجهی است. دغدغه استقلال رو به افزایش نوجوانان نسل دوم، والدین خانواده‌های لاتین را نیز را نگران می‌کند که مبادا فرزندانشان، فرهنگ بومی خود را از دست بدهند و ارزش‌های فردگرایی امریکایی را درونی کنند. البته شکی نیست که استقلال، از مراحل رشدی هر نوجوان برای ادامه بقاست. اما از سوی دیگر، حمایت عاطفی والدین، می‌تواند باعث دلگرمی و حمایت عاطفی فرد باشد. افراط و تفریط در مستقل شدن فرزندان در خانواده هر دو می‌تواند آسیب‌زا باشد.

دیگر چالش‌هایی که بسیاری از والدین ایرانی مسلمان مقیم امریکا درباره نوجوانشان به آن اشاره کردند از این قرار است: با توجه به تغییرات فرهنگی هر روزه که با گسترده شدن ارتباطات شدت می‌گیرد، انتقال آموزه‌های دینی به نسل بعد، حتی در ایران نیز به‌عنوان کشوری اسلامی می‌تواند چالش‌هایی داشته باشد. اما ماهیت این چالش‌ها در جامعه امریکا متفاوت است. انجام رسالت انتقال باورها و عقاید اسلامی در جامعه‌ای غیراسلامی و همچنین فرهنگ ایرانی در کشوری که پر از قومیت‌های گوناگون مهاجر است، برای تمام والدین شرکت‌کننده، امری است دارای اولویت بالا، اما دشوار.

«بالآخره فرهنگ جامعه‌ای که توش زندگی می‌کنیم رو از در بیرونش کنی، از پنجره می‌آد تو». والدین مسلمان نگرانند که اگر فرزندان خود را با دین اسلام آشنا نکنند، آن‌ها در جامعه چندفرهنگی امریکا، به مسیحیت و یا سکولاریسم رو خواهند آورد. از سوی دیگر، اگر مسلمانان مهاجر، استراتژی انزوا و محدود کردن روابطشان به اجتماع خود را پیش بگیرند، پیامد آن، منزوی شدن فرزندان از جامعه است (تیمانی، ۲۰۰۶). این

موقعیت دوگانه از چالش‌هایی است که مسلمانان مقیم کشورهای غربی از جمله امریکا تجربه می‌کنند. البته باید توجه داشت که منظور از انتقال آموزه‌های دینی و ملی، تنها تعلیم دانش مربوط به آن‌ها نیست. بلکه برانگیختن حس مباهات به هویت دینی و ملی و نداشتن احساس شرم از داشتن آن‌هاست.

یکی دیگر از موضوعات مورد اشاره بیش از نیمی از والدین، بحث درباره نوع مدرسه‌ای بود که مایل‌اند فرزندانشان در آن تحصیل کنند. فرزندان اکثر آن‌ها (۸ نفر از پانزده نفر) در سال‌های اخیر مشغول به تحصیل در دبیرستان اسلامی بوده‌اند، در حالی که بعضی از آنان نیز فقط مدت کوتاهی در مدارس اسلامی دانش‌آموز بوده‌اند و یا اصلاً به صورت تمام‌وقت در مدرسه اسلامی تحصیل نکرده و فقط از کلاس‌های آخر هفته مذهبی مراکز اسلامی برای آموزش مفاهیم دینی استفاده کرده‌اند. هر چند که اکثر شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر، دانش‌آموز مدرسه اسلامی بودند؛ اما آماری رسمی در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد به‌طور کلی، تنها ۴ درصد از دانش‌آموزان مسلمان زیر ۱۸ سال در امریکا، دانش‌آموز مدرسه اسلامی بوده‌اند (سالین، ۲۰۱۶). گذشته از مقایسه نقاط ضعف و قوت مدارس اسلامی در مقایسه با انتخاب‌های دیگر، فراوانی صحبت درباره مدرسه اسلامی، احتمالاً به این دلیل است که منطقه شمال کالیفرنیا که محل سکونت شرکت‌کنندگان این مطالعه است، از معدود مناطقی در امریکا است که مدرسه اسلامی در آن مشغول به کار است. پژوهشگر گمان می‌کند اگر پژوهش حاضر در مناطق دیگری از امریکا که مدرسه اسلامی در دسترس والدین نیست، انجام می‌شد، به مقدار کمتری صحبت از مدرسه اسلامی به‌میان می‌آمد.

از آن‌جا که در طرح درس مدارس عمومی امریکا، رویکرد دینی وجود ندارد و بسیاری از دانش‌آموزان مسلمان نیز در مدارس اسلامی تحصیل نمی‌کنند، جلسات مدارس آخر هفته مذهبی که روزهای تعطیل توسط بسیاری از مراکز اسلامی برای دانش‌آموزان برگزار می‌شود، منبع مهمی برای آموزش مفاهیم دینی به‌شمار می‌رود و به شرط عملکرد مثبت، برای نوجوانان جذب‌کننده و آموزنده است (خان^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). شرکت‌کننده‌ای در این مورد گفت: «برای روز جمعه یا یکشنبه‌شون، بی‌تابند که برن مرکز اسلامی دوستاشون رو ببینن». البته در بعضی موارد، از این فرصت به شکل بهینه استفاده نمی‌شود و کلاس‌های آخر هفته مذهبی، در دانش‌آموزان مسلمان انگیزه کافی را برای

صرف نظر کردن از روز تعطیل خود بعد از یک هفته تحصیلی ایجاد نمی‌کند. این عدم جذب‌کنندگی می‌تواند معلول عواملی از جمله عدم شکل‌گیری ارتباط بین معلمان این کلاس‌ها و دانش‌آموزان، جدی‌نگرفتن و سبک شمردن کلاس توسط معلمان، هم‌کلاسی‌ها و والدین و طرح درس کم‌جاذبه و محدود به مباحث کم‌ارتباط به مسائل مبتلا به نوجوانان مسلمان در مدارس عمومی و جامعه غیراسلامی باشد (خان و همکاران، ۲۰۰۵؛ ارگاکا^۱، ۲۰۰۴).

از میان دیگر مسائل مبتلا به در نسل دوم از دید مصاحبه‌شوندگان، هویت‌یابی در سطح اجتماعی (تعلق به ملیت مشخص) بود. هویت ملی و احساس تعلق عاطفی به جامعه‌ای مشخص، باعث تکمیل‌تر شدن تعریف فرد از خودش و موفقیت در کسب هویت اجتماعی او می‌شود (تاجفل و ترنر^۲، ۱۹۸۶). دانش و توکلی (۱۳۹۳) با مروری بر تحقیقات انجام‌شده در حوزه هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور، به این نتیجه رسیدند که بنا بر گزارش پژوهش‌های پیشین، نوجوانان ایرانی نسل دوم مقیم آمریکا، تحت تأثیر دیدگاه‌های اجتماعی نسبت به ملیت خود و تنش‌های موجود در روابط بین دو کشور ایران و آمریکا، در مرحله شکل‌گیری هویت بیشتر در معرض خطر قرار دارند. همسو با همین نتیجه، احمدی^۳ (۲۰۱۳) در مقایسه شکل‌گیری هویت ملی در نوجوانان نسل دوم ایران در آمریکا و سوئد، دریافت که این نوجوانان در آمریکا تنش‌های بیشتری را تجربه می‌کنند.

(ب) فرصت‌ها یا جنبه‌های مثبت فرزندپروری در آمریکا از نگاه والدین:

در کنار اشاره به چالش‌هایی که خانواده‌های مهاجر به‌عنوان مسائل خود به آن‌ها اشاره کردند، نکاتی نیز درباره جنبه‌های مثبت اقامت در آمریکا نیز به‌میان آمد. یکی از این نکته‌ها که مورد اشاره بخشی از شرکت‌کنندگان بود، دوری از نابسامانی اقتصادی در ایران و دشواری‌هایی که با ماندن در ایران ممکن بود درگیر آن شوند و امید به آینده‌ای روشن‌تر برای فرزندان در عرصه تحصیل و کار است. شرکت‌کننده‌ای در این باره گفت: «خیلی از خانواده‌ها نگران و ناراحتن تو ایران. ولی اینجا نه. خصوصاً تو این منطقه. الان دغدغه اصلی روی دانشگاه‌ها و شغل‌هاست. این‌ها دغدغه‌های امیدبخشه. من فکر می‌کنم آمریکا او مدن ما اتفاق خوبی بود». مهاجرت برای فرصت‌های تحصیلی و شغلی بهتر فرزندان، نه تنها دلیل ایرانیان برای مهاجرت، بلکه دلیل بسیاری از مهاجران است. اگر از

1. Orgocka
2. Tajfel & Turner
3. Ahmadi

والدین خانواده‌های مهاجر با ملیت‌های متفاوت، دلیل مهاجرتشان را سؤال کنیم، به احتمال زیادی خواهند گفت که به دنبال فراهم کردن رفاه بیشتر، دسترسی به منابع علمی بیشتر و فراهم آوردن فرصت‌های بهتر برای موفقیت شغلی و تحصیلی فرزندان‌شان در آینده، اقدام به مهاجرت کرده‌اند؛ فرصت‌هایی که اگر در زادبوم خویش می‌ماندند، هیچ‌گاه دست نمی‌داد (سکوارتز و همکاران، ۲۰۱۷). متأسفانه، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای اشتغال و تحصیل در ایران، می‌تواند زمینه‌ساز از دست رفتن سرمایه‌های انسانی از کانال‌های مختلفی شود؛ بسیاری از نیروهای تحصیل کرده‌ای که با عنوان پدیده فرار مغزها از ایران مهاجرت می‌کنند، برای زندگی به ایران بازمی‌گردند. در خارج از کشور ازدواج می‌کنند و صاحب فرزند می‌شوند و فرزندان آن‌ها نیز با احتمال بسیاری، ایران را به‌عنوان کشور زندگی خود انتخاب نمی‌کنند و ظاهراً هر چه از مدت اقامت آن‌ها در امریکا بیشتر می‌گذرد، احتمال بازگشت آن‌ها و فرزندان‌شان به ایران کمتر می‌شود. چنانکه بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، کارمندان پردرآمد شرکت‌های بزرگ صنعتی امریکایی‌اند، سه تن از آن‌ها بالای ۲۵ سال است که ساکن امریکا هستند، فرزند نوجوانی که با محوریت وی با والدین مصاحبه کردم، فرزند سوم یا چهارم آن‌هاست و فعلاً نه والدین قصد بازگشت به وطن را دارند و نه فرزندان‌شان مایل به زندگی در ایران هستند.

دوری از دخالت‌های دیگران در امور تربیتی از مزایای زندگی در امریکا از نگاه بعضی از والدین بود. طبق پژوهش نستراک و مارکس (۲۰۰۹) نیز در بعضی از خانواده‌های مهاجر که روش‌های تربیتی ایده‌آل از نظر والدین، با روش تربیتی خانواده گسترده یکسان نیست، مهاجرت فرصتی است برای دور ماندن از رفتارهایی که مادر و پدر فرزند، آن را دخالت در چارچوب فرزندپروری خود محسوب می‌کنند. در حالی که در شرایط مهاجرت، وقتی که فقط مادر و پدر متصدی بزرگ کردن فرزند باشند، تنها خود آن‌ها هستند که درباره راهکارهای مورد استفاده برای والدگری فرزند خود برنامه‌ریزی می‌کنند. از میان جنبه‌های مثبت زندگی در امریکا که در صحبت‌های شرکت‌کنندگان مشاهده شد، موردی که تعدادی از افراد به آن اشاره کردند، تنوع نژادی و قومی بالا و وجود مهاجران بسیار در ایالت کالیفرنیاست که سبب می‌شود تبعیض اقلیتی کمتری را در کنار دیگر اقلیت‌ها تجربه کنند. کالیفرنیا یکی از پرمهاجرترین ایالت‌های امریکاست و صحبت درباره این تنوع جمعیتی در میان شرکت‌کنندگان این پژوهش نیز احتمالاً به همین دلیل است. احتمالاً در ایالت‌های کم‌مهاجر، این موضوع کمتر بیان شود.

ج) راهبردهای مؤثر از نگاه والدین برای انتقال هویت اسلامی و ایرانی از طریق داشتن تعامل سالم والد - نوجوان:

از میان روش‌های تربیتی مؤثر از نگاه والدین برای انتقال هویت اسلامی و ایرانی از طریق ارتباط کارآمد والد نوجوان، همسویی والدین مورد تأکید بسیاری از شرکت‌کنندگان بود. به‌طور کلی، خرده‌فرهنگ‌های گروه‌های اقلیتی که عموماً مایل‌اند آن را به نسل بعدی خود منتقل کنند، همیشه در تعارض با ارزش‌های فرهنگ کلی جامعه نیست؛ گاهی همه یا بخشی از فرهنگ گروه اقلیت می‌تواند، با فرهنگ غالب در جامعه همسو باشد. اما در مواردی، ارزش‌های مورد تأکید خانواده و جامعه همسو نیست، در آن شرایط نیز والدین با برنامه‌ریزی و اتحاد، می‌توانند خرده‌فرهنگ مورد تأکید خود را به فرزندان تعلیم دهند. همان‌طور که شرکت‌کننده‌ای گفت: «اگر پدر و مادر هر دو بخوان و برایشون مهم باشه، حتی توی امریکا هم می‌تونن بچه‌شون رو مسلمون بار بیارن». اما گاهی وضعیتی پیش می‌آید که یا مادر و پدر در خانواده مهاجر، هم‌نظر نیستند و یا تنها یکی از آن‌ها اصرار دارد که تربیت دینی یا انتقال فرهنگ ایرانی اتفاق بیفتد، یا بعد از مهاجرت، هنوز به نظام ارزشی مشخصی دست نیافته‌اند که به فرزندان خود معرفی کنند. «خیلی از بچه‌های هم‌سن دخترم، لباس کوتاه می‌پوشن. وقتی بچه من با اون بچه دوسته، منم با مادرش دوستم و می‌گم یه وقت مثل اون نشی‌ها، خب مثل اینه که یه غذایی جلوش بذاری بگی نخور. من باید تکلیفم رو با خودم و اولویت‌هام مشخص کنم». هر دو حالت برای فرزندان سردرگم‌کننده است و احتمال انتقال آموزه‌های گروه اقلیت (برای مثال آموزه‌های دینی اسلامی) را کاهش می‌دهد و فرد را به سمت درونی کردن هر آنچه از سمت جامعه پیشنهاد می‌شود سوق می‌دهد.

برای بسیاری از خانواده‌های مهاجر، به‌خصوص آن‌ها که دارای فرزند هستند، معاشرت با دوستانی از جنس خودشان، امری حیاتی محسوب می‌شود. آن‌ها سعی می‌کنند با یافتن جمعی برای معاشرت، برای فرزندانشان فرصت بهره‌مندی از یک منبع حمایت اجتماعی را به‌عنوان جایگزین خانواده‌های خود که از آن‌ها دورند فراهم کنند. طبیعتاً هر گروه اقلیتی، ترجیح می‌دهد تنهایی خود را با کسانی پر کند که نقطه اشتراک و شباهت بیشتری به خود او دارند. گروه ایرانیان مسلمان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بسیاری از آن‌ها مایل‌اند بنابر اولویت‌های خود، فرهنگ ایرانی، هویت دینی و یا هر دو را توأمان به نسل بعد منتقل کنند. در کنار هویت دینی، هویت ملی نیز سبب تکمیل‌تر شدن تعریف فرد

از خودش و موفقیت در کسب هویت اجتماعی او می‌شود (تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶). لذا قرار گرفتن در معرض تماس با محافل مسلمان ایرانی، می‌تواند هم‌زمان هویت ملی و هویت قومی را در نوجوانان نسل دوم تقویت کند. همان‌طور که میدی (۲۰۱۴) اشاره می‌کند، برخی از مراکز اسلامی در امریکا، مؤسسه‌هایی هستند که نه تنها برای انتقال آموزه‌های دینی، بلکه برای ارج نهادن فرهنگ ایرانی (زبان فارسی و مناسبت‌هایی همچون نوروز و یلدا) تلاش می‌کنند و حضور نسل دوم ایرانیان مسلمان در این مراکز، کمک می‌کند که هر دو هویت ملی و دینی را جذب کنند.

در مورد راهبردهای مؤثر در حفظ و انتقال هویت ایرانی، فارسی حرف زدن در خانه از جمله موارد مورد تأکید بسیاری از شرکت‌کنندگان بود. حفظ زبان مادری، در کنار زبانی انگلیسی که زبان اصلی مورد استفاده در جامعه است، سبب می‌شود فرد بتواند از گروه قومیتی خود به‌عنوان منبع حمایت اجتماعی بهره‌جوید. در تأیید این یافته، می‌توان به نتایج پژوهش لیو^۱ و همکاران (۲۰۰۹) اشاره کرد که نشان می‌دهد که نوجوانانی که زبان مادری را در کنار زبان انگلیسی حفظ می‌کنند، به احتمال بیشتری به سازگاری روانی دست می‌یابند. شرکت‌کننده‌ای در این باره گفت: «بچه‌های من فارسی‌شون خیلی خوبه. حتی با مادر بزرگای دیگه که اینجان ارتباط می‌گیرند یا با مادر پدرای دیگه. اونا هم با بچه‌های نسل دومی دیگه حرف مشترک دارند، هم با نسل قبلی هم وطن خودشون و این باعث می‌شه ما دورمون شلوغ باشه». از نگاه یکی از شرکت‌کنندگان، از دیگر راه‌های انتقال فرهنگ ایرانی، تهیه غذاهای ایرانی در منزل برای آشنایی فرزندان با ذائقه ایرانی است، غذا به‌عنوان یکی از ابعاد هویت قومی، مانند زبان عمل می‌کند و ابزار مهمی برای وصل کردن افراد یک جامعه به یکدیگر است. در عصر حاضر با وجود فرهنگ‌های متکثر در کنار هم، غذا می‌تواند در حفظ از ماهیت قومیت‌ها سهم داشته باشد. با توجه به این موارد، سبک و شیوه‌های تغذیه ایرانی بخش مهمی از میراث باارزش فرهنگی است که خانواده‌های مهاجر، برای حفظ و معرفی آن به فرزندان خود باید تلاش کنند (والر و ترکان^۲، ۲۰۱۵). با این روش، می‌توان فرزندان نسل دوم را با ذائقه ایرانی آشنا کرد.

یکی از سؤال‌هایی که در محافل خانواده‌های ایرانی جوان مهاجری که زمان زیادی از مهاجرتشان به امریکا نمی‌گذرد، تکرار می‌شود و معمولاً بی‌جواب رها می‌شود،

1. Liu

2. Weller & Turkon

این است که آیا پرورش فرزند در جامعه آمریکا کار درستی است یا خیر. پژوهشگر در پژوهش کنونی، به دنبال ارزش گذاری این اقدام نبود، بلکه به دنبال این بود که با کمک افرادی که تجربه اقامت طولانی مدت و فرزند پروری در آمریکا را داشته‌اند، نشان دهد که دنیای داشتن خانواده‌ای دور از وطن، و نوجوانانی که فرزندان آمریکایی والدینی ایرانی هستند، چگونه خواهد بود، چه چالش‌ها و چه فرصت‌هایی را به دنبال دارد و نقش والدین در مدیریت این چالش‌ها چگونه می‌تواند مؤثر باشد؟ طبق آنچه از نتایج این پژوهش حاصل شد، برای والدین دغدغه‌مندی که مایل‌اند از طریق ارتباطی سالم میان خود و نوجوانان، فرزندان مسلمان و آشنا با فرهنگ و هویت ایرانی پرورش دهند، چالش‌های این اقدام، بیش از فرصت‌های آن است و به عبارت دیگر، کار ساده‌ای نیست. همچنان که یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «واقعاً بچه‌داری اینجا خیلی سخته، بار سنگینی رو روی دوش ماها می‌ذاره». و با اشاره به شانه خود ادامه داد: «این بار سنگین رو روی دوش من نمی‌بینی؟!». البته که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به راهبردهایی اشاره کردند که برای آموزش و پرورش نوجوانان مفید است؛ اما بی‌شک، پیش‌نیاز مفید بودن این راهبردهای تربیتی، تعامل سالم بین والدین و نوجوان است. در واقع، نکته کلیدی در رسیدن به این اهداف، پدر و مادر، ارتباط سالم و کارآمد آن‌ها با نوجوان و محیطی است که آن‌ها در خانواده فراهم می‌کنند. به قول یکی از شرکت‌کنندگان: «مادر و پدر بیشتر از اون چیزی که فکر می‌کنن توی زندگی بچه‌هاشون مهمند».

پژوهش حاضر، با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود: نخست، یافته‌های پژوهش حاضر به دلیل محدود بودن تعداد شرکت‌کنندگان به تمام ایرانیان مسلمان تعمیم‌پذیر نیست. همچنین به دلیل تمرکز بالای ایرانیان و مسلمانان در ایالت کالیفرنیا که ایالتی مهاجرپذیر است، این نتایج را نمی‌توان به دیگر ایالت‌ها و یا کشورهای خارج از ایران تعمیم داد. دوم، به دلیل موانعی بر سر راه امکان مصاحبه حضوری، بیشتر مصاحبه‌ها به شکل تماس تصویری انجام گرفت و واضح است که مصاحبه حضوری، جزئیات بیشتری را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. سوم، تنظیم وقت مصاحبه با پدران به دلیل مشغله‌های کاری مشکل بود و باعث شد بیشتر جمعیت شرکت‌کنندگان را مادران تشکیل دهند.

از میان ۱۵ شرکت‌کننده در این پژوهش، ۵ نفر والدین فرزندی بودند که نسل یک و نیم محسوب می‌شوند، یعنی فرزندی که قبل از ۱۳ سالگی به همراه والدین وارد کشور مقصد شده است و ۱۰ نفر، والدین نوجوانان نسل دوم بودند. با توجه به اینکه فرزندان در

اکثریت خانواده‌ها، نسل دوم بودند، در این پژوهش، درباره مسائل مربوط به این گروه تمرکز بیشتری انجام گرفت. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، اختصاصاً به چالش‌های فرزندان نسل یک و نیم پرداخته شود.

در پژوهش حاضر، نزدیک نیمی از نوجوانان نسل دوم، دانش آموز مدارس خصوصی اسلامی و نیمی دیگر دانش آموزان مدارس عمومی بودند که در مدارس مذهبی آخر هفته - که توسط مراکز اسلامی برگزار می‌شود - شرکت می‌کردند. در پژوهش‌های جداگانه‌ای می‌توان به بررسی مسائلی که هر یک از این دو گروه با آن روبه‌رو هستند، پرداخت.

امید است که نتایج پژوهش حاضر برای خانواده‌های مهاجر، خانواده‌های مسلمان و خانواده‌های ایرانی و هر آن کس که با این قشر سروکار دارد، از جمله مشاوران و روان‌شناسان مفید باشد.

منابع

- دانش، پ.، و توکلی، ع. (۱۳۹۳). مطالعه هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور. *پژوهشنامه توسعه فرهنگی اجتماعی*، ۲، ۲۳-۴۰.
- Ahmadi, B. (2013). How Second Generation Iranians Understand Their National and Ethnic Identity?: A comparative study of the impact of the host society- the case of Sweden and the United States. (Dissertation No. SGSMKINSA-V13-1). Retrieved from <http://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:hig:diva-14520>
- Ahmed, Gh. E. (2013). Muslim Parents at Crossroads: Choosing the Right School for their Children. *Comparative and International Education/ Éducation Comparée et Internationale*, 42(2), Article 4.
- Berry, J. W. (1997). Immigration, acculturation, and adaptation. *Applied psychology*, 46(1), 5-34.
- Bozorgmehr, M., & Douglas, D. (2011). Success (ion): second-generation Iranian Americans. *Iranian Studies*, 44(1), 3-24.
- Byng, M. (2017). Transnationalism among second-generation Muslim Americans: Being and belonging in their transnational social field. *Social Sciences*, 6(4), 131.
- Crockett, L. J., & Zamboanga, B. L. (2009). *Substance use among Latino adolescents: Cultural, social, and psychological considerations, Handbook of U.S. Latino psychology: Developmental and community-based perspectives* (pp. 379-398). Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
- Daha, M. (2011). Contextual factors contributing to ethnic identity development of second-generation Iranian American adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 26(5), 543-569.
- Finlayson, C. S., Fu, M., Squires, A., Van Cleave, J., & Appelbaum, A. (2018). The

- experience of being aware of disease status among women with recurrent ovarian cancer: A phenomenological study. *Nursing Research*, 67(2), E61.
- Forghani, A., & Neustaedter, C. (2014). The routines and needs of grandparents and parents for grandparent-grandchild conversations over distance. *Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems* (pp. 4177-4186).
- Fox, J., & Akbaba, Y. (2015). Securitization of Islam and religious discrimination: Religious minorities in Western democracies, 1990-2008. *Comparative European Politics*, 13(2), 175-197.
- Gualda, E. (2007). *Researching Second Generation in a Transitional, European, and Agricultural Context of Reception of Immigrants* (No. 332). Princeton University, Woodrow Wilson School of Public and International Affairs, Center for Migration and Development.
- Jannati, E., & Allen, S. (2018). Parental Perspectives on Parent-Child Conflict and Acculturation in Iranian Immigrants in California. *The Family Journal*, 26(1), 110-118.
- Khan, S., Husain, W., & Masood, S. (2005). Situating weekend Islamic schools in the American Muslim context. *Paper delivered at the ISNA Education Forum, March* (Vol. 10).
- Kwak, K. (2003). Adolescents and their parents: A review of intergenerational family relations for immigrant and non-immigrant families. *Human development*, 46(2-3), 115-136.
- Liu, L. L., Benner, A. D., Lau, A. S., & Kim, S. Y. (2009). Mother-adolescent language proficiency and adolescent academic and emotional adjustment among Chinese American families. *Journal of youth and adolescence*, 38(4), 572-586.
- Lopez, K. A., & Willis, D. G. (2004). Descriptive versus interpretive phenomenology: Their contributions to nursing knowledge. *Qualitative health research*, 14(5), 726-735.
- Mahdi, A. A. (1998). Ethnic identity among second-generation Iranians in the United States. *Iranian Studies*, 31(1), 77-95.
- Meybodi, M. M. (2014). *Ethnic language maintenance: A case study of second-generation Iranian Americans in the northeastern states*. City University of New York.
- Miller, L. R. & Madani, Y. (2013). *Autostereotype*. *The Encyclopedia of Cross-Cultural Psychology, First Edition*. Edited by Kenneth D. Keith. John Wiley & Sons, Inc.
- Nesteruk, O., & Marks, L. (2009). Grandparents across the ocean: Eastern European immigrants' struggle to maintain intergenerational relationships. *Journal of Comparative Family Studies*, 40(1), 77-95.
- Nesteruk, O., & Marks, L. (2011). Parenting in immigration: Experiences of mothers and fathers from Eastern Europe raising children in the United States. *Journal of Comparative Family Studies*, 42(6), 809-825.
- Nguyen, A. M. D., & Benet-Martínez, V. (2013). Biculturalism and adjustment: A meta-analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 44(1), 122-159.
- Orgocka, A. (2004). Perceptions of communication and education about sexuality among Muslim immigrant girls in the US. *Sex Education*, 4(3), 255-271.
- Paige, S. (2014). *Iranian American perceptions of experienced prejudice and discrimination in the political and social context of the United States of America* (Doctoral dissertation, [Honolulu]:[University of Hawaii at Manoa]).

- Perreira, K. M., Chapman, M. V., & Stein, G. L. (2006). Becoming an American parent: Overcoming challenges and finding strength in a new immigrant Latino community. *Journal of Family Issues*, 27(10), 1383-1414.
- Perreira, K. M., Chapman, M. V., & Stein, G. L. (2006). Becoming an American parent: Overcoming challenges and finding strength in a new immigrant Latino community. *Journal of Family Issues*, 27(10), 1383-1414.
- Portes, A., & Rumbaut, R. G. (2001). *Legacies: The story of the immigrant second generation*. University of California Press.
- Schwartz, S. J., Unger, J. B., Baezconde-Garbanati, L., Zamboanga, B. L., Córdova, D., Lorenzo-Blanco, E. I., ... & Villamar, J. A. (2016). Testing the parent-adolescent acculturation discrepancy hypothesis: A five-wave longitudinal study. *Journal of Research on Adolescence*, 26(3), 567-586.
- Soliman, A. (2016). *Muslim Parents' Shared Viewpoints About US Public Schools: A Q Methodological Study* (Doctoral dissertation, Long Island University, CW Post Center).
- Tajfel, H., Turner, J. C., Austin, W. G., & Worchel, S. (1979). An integrative theory of intergroup conflict. *Organizational identity: A reader*, 56-65.
- Timani, H. S. (2006). Islamic Schools in America: Islam's Vehicle to the Future?. In *Forum on Public Policy Online* (Vol. 2006, No. 1, p. n1). Oxford Round Table. 406 West Florida Avenue, Urbana, IL 61801.
- Tseng, V., & Fuligni, A. J. (2000). Parent-Adolescent language use and relationships among immigrant families with East Asian, Filipino, and Latin American backgrounds. *Journal of Marriage and Family*, 62(2), 465-476.
- Valizadeh, L., Zamanzadeh, V., Rassouli, M., & Farshi, M. R. (2018). Concerns of parents with or raising adolescent children: a qualitative study of Iranian families. *Journal of caring sciences*, 7(1), 27
- Weller, D. L., & Turkon, D. (2015). Contextualizing the immigrant experience: The role of food and foodways in identity maintenance and formation for first-and second-generation Latinos in Ithaca, New York. *Ecology of food and nutrition*, 54(1), 57-73.